



در زندگی سلام امروز بخوانیم:

نکات طلایی برای پیشگیری از سرماخوردگی و آنفلوآنزا

فواید برخی از میوه‌های پاییزی

پاتک‌هایی به افزایش

کودکان و سواسی

یک روان‌شناس اجتماعی گفته که شاهد افزایش ۵۰ درصدی و سواس در ایران بعد از دوران کرونا بین کودکان هستیم؛ والدین چه کنند؟

چالش جهانی اخراج نسل زد از محل کار

می‌گفت نمی‌توانم لباس جهاد را با چیزی عوض کنم

گفت و گویا «دکتر مجتبی کرباسی» که از کودکی، دوست و هم‌محله‌ای و هم‌زم‌سردار «عباس نیلفروشان» در دوران دفاع مقدس بوده و ناگفته‌هایی از آخرین تماس شهید با پدرش دارد



مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار

پرونده

بمباران وحشیانه و ناجوانمردانه منطقه ضاحیه بیروت توسط رژیم صهیونیستی، بزرگ‌مردانی را از ما گرفت که یادشان هیچ‌گاه از ذهن‌ها بیرون نخواهد رفت. فرماندهانی در این حادثه تروریستی به شهادت رسیدند که روز و شب‌شان را برای دفاع از مردم مظلوم غزه در حال تلاش و برنامهریزی بودند. شاید شهادت کمترین مژدی بود که می‌توان برای آن‌ها متصور شود. یکی از این افراد، سردار «عباس نیلفروشان» از فرماندهان مشهور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از دوران جنگ تحمیلی ایران و عراق تا کنون بوده است. او تیرماه سال ۱۳۹۸ مسئولیت معاونت عملیات کل سپاه پاسداران را بر عهده گرفت و مسئولیت‌های مهم دیگری همچون فرماندهی دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) سپاه، جانشینی قرارگاه امام حسین (ع)، مشاور عالی فرمانده نیروی مینی سپاه پاسداران و ... را در کارنامه کاری خود دارد. سردار «نیلفروشان» یکی از فرماندهان دلاور جمهوری اسلامی ایران بود که همواره در صف مقدم حمایت از جریان مقاومت در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی و دیگر دشمنان منطقه‌ای کشورمان حضور داشته است. در پرونده امروز زندگی سلام با «دکتر مجتبی کرباسی» که از کودکی با سردار «نیلفروشان» هم‌محله‌ای بوده و تا همین چند ماه پیش، ارتباط تلفنی‌شان قطع نشده، گفت و گویی داشتیم که نکات زیادی درباره این فرمانده شجاع و شخصیت بزرگ او دارد.

خانه پدرش قبل از انقلاب

پاتوق بچه‌های مذهبی بود

دکتر «کرباسی» در حال حاضر معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و مدرس گروه زبان انگلیسی است. او درباره تاریخچه آشنایی‌اش با سردار «نیلفروشان» می‌گوید: «از بدو تولد، خانه ما و حاج عباس در کنار یکدیگر بود، بنابراین با هم کودکی را گذرانیدیم و بزرگ شدیم. سردار در یک خانواده مومن و متدین به دنیا آمد. پدرش از بازاری‌های متعدد و محترم در نزد مردم بازار و محله بود. در خانه‌شان از همان زمان یعنی قبل از انقلاب، روضه‌خوانی سالیانه برگزار میشد و پاتوقی برای بچه‌های مذهبی محله بود. به همین دلیل از همان سنین کودکی یعنی ۸ یا ۸ سالگی، عباس یک بچه معتقد به ارزش‌های اسلامی بود که در مسجد و محافل قرآنی بزرگ شده و رشد کرده بود.»

در توزیع اعلامیه‌های امام (ره)

جسور بود

دکتر «کرباسی» درباره فعالیت‌های سردار نیلفروشان در روزهایی قبل از انقلاب اسلامی که یک نوجوان بود، می‌گوید: «۱۰ ساله بود که بر خلاف بسیاری از هم‌سن‌وسال‌هایش که با نام امام خمینی (ره) و آرمان‌های ایشان آشنا نبودند، ادا توپه‌ای به ایشان و دیدگاه‌هایش داشت. وقتی قبل از انقلاب و در بحبوحه پیروزی انقلاب، مدارس به تعطیلی کشیده شد، او از فعالان همراهی با نهضت امام خمینی (ره) در مدرسه و بین دانش‌آموزان بود. انقلاب که به پیروزی رسید، در همه صحنه‌ها با سن کمش و حتی در همه تظاهرات‌ها حضور داشت. در توزیع عکس و اعلامیه‌های حضرت امام (ره)، پرتلاش و جسور بود.»

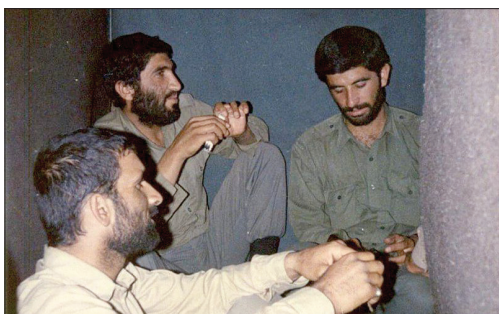
۱۵ ساله بودم که رفت جبهه

رفیق سال‌های کودکی و نوجوانی سردار نیلفروشان که از نزدیک شاهد مجاهدت‌های در سال‌های دفاع مقدس او بوده، می‌گوید: «بعد از انقلاب هم یک بسیجی تمام‌عیار بود. هم به خودش‌ای‌اش با شرکت در جلسات مذهبی، عقیدتی و سیاسی که در پایگاه‌های بسیج و مسجد برگزار میشد، توجه داشت و هم اینکه یک عنصر میدانی بود. یعنی هر جایی که کاری از دستش برمی‌آمد، انجام می‌داد. در سال ۶۰ در حالی که هنوز ۱۵ ساله‌اش تمام نشده بود برای دفاع از وطن، مردم و کردستان به مرزهای کردستان رفت و در آن جامدتی مجاهدت داشت. چند وقت بعد از اعزام به کردستان، به خطه جنوب کشور رفت. از عملیات مضان به بعد، تبدیل به یک رزمنده قوی و مقتدر در لشکر امام حسین (ع) شد که به تدریج چهره توانمندی‌هایش بیشتر شناخته شد.»



حاج احمد کاظمی سخت‌ترین ماموریت‌ها را به او می‌سپرد

سردار «نیلفروشان» از نیروهای شهیدان حسین خرازی و حاج احمد کاظمی در دوران دفاع مقدس بوده است. دکتر «کرباسی» که در جبهه نبرد حق علیه باطل کنار سردار بود، درباره آن روزهای حاج عباس می‌گوید: «مرحله فرمانده شدنش در عملیات‌های بعد از رمضان با این



که سن پایینی در حد ۱۶ یا ۱۷ سال داشت، خیلی سریع اتفاق افتاد. او یک فرمانده قوی بود که از فرمانده دسته، معاون گروهان، فرمانده گروهان و ... گام به گام در حال رشد بود. همین که حاج احمد مظمی، عباس را کشف کرد، او را به لشکر نجف برد. دیری نگذشت که او یکی از بهترین

دنبال آسایش و راحتی نبود و گرنه ...

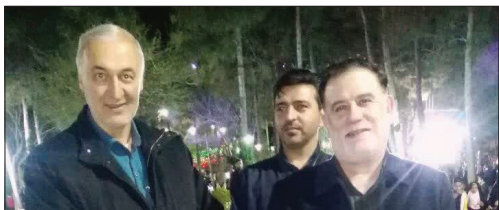
«او در خانواده‌ای زندگی می‌کرد که اگر به دنبال آسایش و راحتی بود، چیزهای زیادی داشت و راحت به آن دست پیدا می‌کرد. اگر به دنبال این بود که برای ادامه تحصیل به اروپا یا خارج کشور برود، قطعاً می‌توانست از حمایت‌های والدینش استفاده کند». دوست و همراه قدیمی سردار نیلفروشان با این مقدمه می‌افزاید: «خیلی راحت می‌توانست در رفاه کامل زندگی کند اما هیچ‌وقت مجاهدت را با

می‌خواست رزمنده تمام‌عیاری برای آزادی قدس باشد

سردار نیلفروشان به عنوان معاون عملیات سپاه پاسداران چند ماه پیش در تحلیلی درباره رهبر در رژیم صهیونیستی در قبال ایران گفت که رژیم صهیونیستی در سطح رهبردی به این باور رسیده است که امکان درگیری آمریکا با ایران وجود ندارد و به این درک رسیده است که توان رویارویی با جمهوری اسلامی را ندارد و آمریکا هم توان سابق برای حفظ رژیم صهیونیستی را ندارد. در رهبر جدید رژیم، رهبر جنگ بین جنگ‌های جنگ در منطقه خاکستری است. دکتر «کرباسی» به یک خاطر در باره علاقه سردار نیلفروشان برای جنگ با رژیم صهیونیستی اشاره می‌کند و می‌گوید: «یکی از آرزوهای دیرینه‌اش در سال‌های جوانی این بود که یک روزی بتواند در سنگر مبارزه با صهیونیست‌ها بجنگد. این را من سال‌های دفاع مقدس یعنی ۴۰ یا ۶۵، خودم از زبان‌ش شنیدم. می‌گفت از این که در این جنگ تحمیلی باید با مزدوران صدام و حزب بعث بجنگیم، راضی نیستم. دلم می‌خواست

تلفنی مرتب با هم در ارتباط بودیم

سردار نیلفروشان به دلیل تجارب گسترده‌اش در میدان‌های نبرد و تلاش‌های مستمر برای حمایت از محور مقاومت از جمله حزب ... لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطینی، به عنوان یکی از شخصیت‌های کلیدی در حمایت از آرمان‌های مقاومت شناخته می‌شود. حضور فعال او در برنامه‌ریزی‌های نظامی و دیپلماتیک به جبهه مقاومت کمک کرد تا در مقابل تهدیدات مستمر رژیم صهیونیستی و دیگر نیروهای متجاوز، توانایی خود را افزایش دهد. از دکتر «کرباسی» درباره زمان آخرین دیدارشان می‌پرسیم که می‌گوید: «از چند ماه پیش، امکان دیدار با ایشان خیلی محدود شده بود. من چون به خاطر شرایط کاری‌ام که



در دانشگاه اصفهان مشغول به کار هستم، توفیق دیدار نیافتیم. ۴ دهه اول زندگی‌مان ما را ارتباط تنگاتنگ خانوادگی داشتیم اما در سال‌های اخیر، مسیر زندگی یک‌جایی‌ها را از هم جدا کرد. ایشان در تهران بود و ماموریت برون‌مرزی زیاد داشت که توفیق دیدنش از من گرفته شده بود اما تلفنی مرتب با هم در ارتباط بودیم.»

از هر فرصتی برای سرزدن به خانواده شهدا استفاده می‌کرد

«توجه او به دوستانش به خصوص دوستان شهیدش برای من همیشه قابل توجه بود. بگذارید یک مثال بزنم. معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با این مقدمه می‌گوید: «در یکی از عملیات‌های دوران دفاع مقدس، بیستمی‌های من به شهادت رسید. سال‌ها پس از جنگ، حاج عباس هیچ‌وقت این بیستمی‌های شهیدش را فراموش نکرد. هر وقت از تهران می‌آمد، یا گاهی به من از تهران زنگ می‌زد که فرصت داری تا برویم دیدار خانواده‌اش؟ مسیر هم سخت بود، در روستاهای اطراف لنجان سرمی‌زدیم به خانواده‌آن بیستمی‌های شهید. از هر فرصتی برای سرزدن به خانواده شهدا استفاده می‌کرد به خصوص رزمندگان گردانش در لشکر نجف و انبیا. ارتباطش را با رزمندگان خانواده شهدا و دوستانش هیچ‌وقت قطع کرد. ارتباطش را با بخشی از دوستان قدیمی و هم‌محله‌ای‌هایش بعد از جنگ را به صورت ماهانه کرد. خیلی آرزو داشت بین گرفتاری‌های کاری و مشغله‌هایش، به این‌ها سرزند. در زمستان گذشته، ۲ ماه پیاپی، ۲ صبح جمعه آمد در جمع دوستانش. در این دیدار هاسرکنشی می‌کرد تا شرایط هم‌زم‌ها و دوستانش را بررسی کند و اگر می‌تواند گر‌های از کار کسی باز کند، ابداع ریغ نمی‌کرد و گر‌هایش می‌کرد. توجه ویژه‌ای هم به نسل جوان داشت. به ما می‌گفت که شما بزرگ‌ترها باید نشست‌های تان، جلسات تان، گفت و گوهای تان، همراه با حضور نسل نوجوان و جوان امروزی باشد تا فرهنگ ایشان و شهادت را به نسل بعد خودتان منتقل کنید.»

همیشه گوش به فرمان ولی امر بود

از دکتر «کرباسی» بعد از این همه سال آشنایی و رفاقت با سردار نیلفروشان می‌خواهم به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان که بارزتر بوده، اشاره کند که می‌گوید: «خیلی سوال سختی است. اگر بخوایم حاج عباس را در یک واژه یا چند جمله معرفی و توصیف کنیم، خیلی سخت است. امیدوارم چیزی که می‌خواهم بگویم، از آن برداشت درستی بشود. ژن او، ژن مالک اشتر بود. حواسش بود که مبادا از فرمان ولی غفلت کند و راهی به جز مسیر مطلوب ولی فقیه را برود. پیچ و خم‌های ۵ دهه گذشته زندگی‌اش، هیچ‌وقت باعث نشد که فراموش کند مقلد امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است و باید گوش به فرمان ولی امر باشد. من این ویژگی را در او بارزتر از همه دیدم.»

همه عمرش را بدون ابراز خستگی در جهاد گذراند



او درباره توجه سردار نیلفروشان به خانواده در کنار مشغله‌های کاری فراوان می‌گوید: «خستگی ناپذیر بود و همه عمرش را در جهاد گذراند. گاهی دوستانش به او می‌گفتند به خاطر شرایط سخت و پیچیده

والدینش که سالمند هستند، مشکلات دارند، ۲ تا از فرزندان‌شان در سال‌های گذشته از دست دادند، با وضعیت جسمی که خودش داشت و آثار جراحت‌های جنگ که سر و بدن و تنش را از او می‌داد، بیاید در کنار همسر و خانواده و بچه‌هایش و مراقب آن‌ها باشد اما می‌گفت من هیچ‌وقت نمی‌توانم لباس جهاد را بچیزی عوض کنم. البته باین که اینجابود، به خصوص در چند ماه اخیر بعد از شهادت سردار زاهدی که از شب شهادت ایشان به منطقه رفت، اما تماس با خانواده‌اش هیچ‌گاه قطع نمی‌شد. همین امروز پدر ایشان بر ایام تعریف کرد که بعد از ظهر جمعه، آخرین باری بوده که با او تماس گرفته است و جویای احوالش می‌شود. پدرش می‌گفت که روزانه با من تماس داشت و در این مدت اخیر، به دلایلی، تماسش گاهی یک روز در میان شده بود. امروز آخر، تقریباً کمتر از یکی دو ساعت قبل از شهادت با پدرش تماس می‌گیرد. مادرش حال مساعدی نداشته و نتوانسته با ایشان تلفنی صحبت کند اما حرف‌هایش را با پدرش می‌زند. غیر مستقیم به نوعی حلاکت می‌طلبد و حرف‌هایی از جنس خداحافظی می‌زند که پدرش نگران می‌شود و متوجه می‌شود که انگار روزهای آخر عمر حاج عباس است.»